

حیدر ملک و کتاب تاریخ کشمیر

دریچه‌ای به شناخت کشمیر تاریخی

کاظم طیبی فرد

پژوهشگر دایرةالمعارف بزرگ اسلامی
baran60kazem@yahoo.com

باعث نزدیکی بسیار او به دربار جهانگیر شد. در سال ۱۰۱۶ق حیدر ملک همراه قطب‌الدین مأمور مقابله با شیرافکن شد و در این مأموریت و پس از آنکه شیرافکن دست از جنگ برداشت و مدتی بعد مرد، حیدر ملک، همسر شیرافکن، مهر النساء بیگم را حفاظت نمود تا به ازدواج جهانگیرشاه در آمد. او پس از ورود به حرم جهانگیر به «نورجهان» ملقب شد. حیدر ملک نیز که بعد از مرگ یوسف شاه چک به خدمت جهانگیر در آمده بود در اثر قدرشناسی نورجهان به جهانگیر معرفی شد و در اثر همین توصیه و حمایت نورجهان جهانگیرشاه حکومت کشمیر را در همان سال به حیدر ملک سپرد و او را به رئیس الملوک و جغتای ملقب نمود^۲ (مارشال ۱۹۸۵: ۱۷۱).

این لقب‌ها خود نشان واضحی از نزدیکی حیدر ملک به دربار جهانگیر است. چنان‌که رئیس الملوک به برتری او بر دیگر ملوک دربار اشاره دارد و لقب جغتای نیز، که به معنای شخصی است که لباس ترکان جغتایی که اسلاف بابرین و جهانگیر بودند را بر تن می‌کند، نشان می‌دهد جهانگیر با اعطای این لقب حیدر را در حد قرار دادن در رده خاندان و تبار خود مورد نوازش قرار داده است.

پس از به دست گیری حکومت کشمیر، حمایت پررنگ جهانگیر از حیدر همچنان ادامه داشت، به شکلی که در همان ابتدای امر، اعتبارات مالی بسیاری برای آبرسانی و خدمات عمرانی به او داد.

حیدر ملک نیز بر اثر همین حمایت‌ها پس از آتش گرفتن خانقاه و مسجد جامع که سنیان حیدر ملک و خاندان او و همین‌طور شیعیان منطقه را متهم سوزاندن آن‌ها کار می‌کردند، مسجد جامع را با همراهی پدر بزرگش، ملک محمد ناجی، بازسازی نمود و حتی به جلال و شوکت بنای آن افزود.

بازسازی این مسجد در ۱۰۲۹ق با صرف هزار روپیه پایان یافت و از آنجا که در هنگام آتش سوزی مسجد، جهانگیر در کشمیر حضور داشته و بازسازی را به حیدر ملک سپرده بود، بر اعتبار حیدر ملک بیش از پیش افزوده

حیدر ملک کشمیری، نویسنده کتاب تاریخ کشمیر و از رجال هند در دوره جهانگیر شاه (۱۰۱۴-۱۰۳۷ق) است. او شیعه‌مذهب و فرزند ملک حسن، نوه ملک محمد ناجی (صوفی ۱۹۴۸: ۲۵۷؛ محب‌الحسن ۱۹۵۹: ۸) و وزیر حسین شاه چک و از نسل خبدان (حیدر ملک، ب ۱) و از خانواده‌ای اشرافی و اصیل کشمیری بود که حکومت موروثی چادوره، ده زادگاهش را که دهی در ده مایلی جنوب سرینگر قرار داشته و از توابع آن بوده، برعهده داشتند^۱ (جهانگیر گورکانی، جهانگیرنامه، ص ۳۴۵؛ بخشی، اقبال‌نامه، ص ۱۷۱).

حیدر ملک حدود ۲۴ سال در خدمت یوسف شاه چک (۹۸۶-۹۹۳ق) پسر حسین شاه چک، آخرین پادشاه کشمیر قبل از سلطنت اکبر شاه مغول بر آن خطه بود (بزدانی ۱۹۷۱: ۴۱۸/۱۰). حیدر ملک حتی پس از شکست یوسف شاه و تصرف کشمیر به دست اکبر شاه، او را در تبعید به جاگیر بنگال همراهی کرد (هادی ۱۹۹۵: ۲۱۵). جاگیر که جیره یوسف شاه بود با کمک حیدر ملک اداره می‌شد؛ چنان‌که حیدر ملک در لشکرکشی علیه راجابل بدرا سردار ارتش بوده و خدمات مهمی در این دوران در جهت استقرار حکومت اکبر شاه در بنگال انجام داد.

پس از غلبه حیدر ملک و برادرش علی در این لشکرکشی، این موفقیت اعتباری به هر دو برادر بخشید و حتی با شروع پادشاهی جهانگیر اوضاع برای او بسیار مساعدتر نیز شد (صوفی، همانجا). مدتی بعد واقعه دیگری

۱. برای موقعیت جغرافیایی چادوره، ر. ک: احمد، ۱۹۷۴: ۴۶۲/۲.

۲. نیز ر. ک:

Hasan; Rieu; Sufi; Storey; Bloghet; Hadi.

و نیز جهانگیر؛ همانجا. همچنین برای لقب‌های او ر. ک: احمد، همانجا.

شد^۱ (دید مری، واقعات، ج ۲، ص ۴۸۰).

از جمله خدمات عمرانی دیگر حیدر ملک، بازسازی مقبره میر شمس الدین عراقی و خانقاه جدی بل که ظفر خان چک آن را به آتش کشیده بود و همچنین ترمیم نهر لچمه کول و بنای باغات مجلل در شاه آباد است. او بارگاهی نیز بر چشمه ویزاگ احداث کرد که جهانگیر پانزدهمین سالگرد جلوسش را در آنجا جشن گرفت (جهانگیر، جهانگیرنامه، همانجا؛ کھویامی، جم).

تا این زمان حیدر ملک نفوذ فراوانی در دربار جهانگیر پیدا کرده بود، چنان که به وسیله او سید شاه ابوالمعالی برای مشاورت، و دوست قدیمی او دلاورخان، برای سپهسالاری ایالت وسیه به جهانگیر معرفی شد (اصغر ۱۳۶۴: ۲۷۱).

حیدر ملک و تاریخ نگاری

چنان که آمد حیدر ملک علاوه بر اینکه به عنوان یک رجل مهم سیاسی نظامی در خدمت حکومت بود از فضل و ادب نیز برخوردار بود. از همین رو به خاطر قرار داشتن در متن جریان‌ها و اتفاق‌ها، به نگارش کتاب تاریخ کشمیر مشغول شد تا بدین وسیله شخصیت علمی او نیز مورد توجه قرار گیرد. چرا که در این دوران جهانگیر شاه به تاریخ نگاری اهتمام بسیاری داشته و بسیاری از تاریخ نگاران را در دربار خود جمع کرده بود (سبحانی ۱۳۷۷: ۳۸۳).

تواریخ قبلی نگاشته شده درباره کشمیر احوال کشمیر را از ابتدای آبادی تا ۷۰۹ ق ترجمه شاه محمد شاه آبادی از راج ترنگینی آورده‌اند، اما حیدر ملک از آنجا که از ۹۵۹ ق تاریخی نوشته نشده بود (حیدر ملک، ب ۲۴۵)، تاریخ کشمیر را درباره تاریخ، وضعیت و طبیعت و جغرافیای کشمیر، از ابتدای آبادانی تا سال ۹۹۵ ق و آغاز فتوحات اکبر شاه، با استفاده از منابع تاریخی قبلی و افزودن وقایع ما بعد آن‌ها تألیف کرد (نوشاهی ۱۳۶۲: ۷۱۴).

چنان که خود او نیز اشاره می‌کند، از منابع معتبر قدیمی و به خصوص ترجمه شاه محمد شاه آبادی از کتاب راج ترنگینی برای تکمیل تاریخ خود استفاده فراوان کرده و حتی

۱. نیز ر.ک: تاریخ حسن، ص ۴۸۰/۲، آزاد، ۱۹۰/۱.

در برخی مقاطع مانند نقل اسم ابتدایی کشمیر، منبع خود را که همان ترجمه شاه محمد شاه آبادی از راج ترنگینی بوده ذکر کرده (حیدر ملک، ب ۲) و یا در جایی دیگر جمع بندی تاریخ راجه‌ها در راج ترنگینی را با ذکر منبع تأیید کرده (همان، ب ۶) که این نمونه‌ها نشان‌دهنده وثاقت و اهتمام به تحلیل تاریخی حیدر ملک در نگارش کتابش است.

در مقابل اما، برخی چون تیفتنالر با قاطعیت کتاب تاریخ کشمیر را تنها تلخیص دیگری از راجه ترنگینی می‌دانند^۲، و حتی اوامر (۱۹۷۰: ۹۸) این تلخیص را به دستور مستقیم جهانگیر دانسته، اما در مقابل محب الحسن (۱۹۵۹: همانجا) تاریخ کشمیر حیدر ملک را در کنار بهارستان شاهی و چند منبع دیگر مکتسب از منابع اصیل سانسکریت می‌داند. حل مناقشاتی از این دست مانند ترجمه و تلخیص بودن تاریخ کشمیر یا تألیف بودن آن و به طور کلی وثاقت و اعتبار آن جای تأمل بیشتری دارد و تا مقابله و تصحیح انتقادی کتاب به درستی و دقت انجام نگیرد و با توجه به اطلاعات پراکنده و بسیار کم و حتی گاه متناقض درباره کتاب امکان نخواهد داشت.

معرفی کتاب تاریخ کشمیر

تاریخ کشمیر که از نام آن پیداست، تاریخ محلی سرزمین کشمیر است و از دو بخش تشکیل شده است. بخش اول که خلاصه‌ای از راج ترنگینی و تاریخ راجه‌های کشمیر است، از دوره اساطیری شروع شده است و بخش دوم کتاب به تاریخ عمومی خاندان‌های معاصر ایران و توران می‌پردازد که به عقیده‌اته از قسمت سوم کتاب لب التواریخ گرفته شده و شش باب دارد (اته ۱۹۰۳: ۲۰۳/۱).

شش باب بخش دوم کتاب به این ترتیب و به این شکل است که باب اول شامل تاریخ طاهریان، سامانیان، خوارزمشاهیان، غزنویان، آل بویه، اتابکان، اسماعیلیان و قراختاییان، باب دوم به امپراتوری‌های مغول می‌پردازد. باب سوم به حکومت پشاهانی که بعد از سلطان ابوسعید در ایران نقش داشته‌اند تا سربداران می‌پردازد و باب چهارم

۲. به نقل از Martin, 367. متن اصلی تیفتنالر در کتاب dicription bhindustan، با وجود سعی و تلاش نگارنده به دست نیامد.

به تیمور و موفقیت‌های او و باب پنجم سلاطین قراویونلو و آق قویونلو اختصاص دارد و در نهایت، در باب ششم سلطنت سلاطینی که در توران و خراسان بعد از ۹۰۶ ق سلطنت می‌کردند آمده است (اته، همانجا).

پس از بخش دوم، دو خاتمه نیز به کتاب افزوده شده که خود شامل دو قسمت است: قسمتی شامل شرح حال مختصر مؤلف تا غلبه کشتوار و قسمتی هم در بیان جغرافی و طبیعت کشمیر است.

ورای بحث‌های مستشرقان گوناگون که به نسخه دسترسی داشته‌اند، خواه تألیف کتاب تاریخ کشمیر به دستور جهانگیر شاه صورت گرفته باشد و خواه حیدرملک پس از تألیف، کتاب را تقدیم جهانگیر شاه کرده، در هر صورت به بیان خود مؤلف، تألیف کتاب در سال ۱۰۲۷ ق مصادف با دوازدهمین سال جلوس جهانگیر شروع شده (حیدرملک، ب ۴) و در سال ۱۰۳۰ ق، به زعم استاد احمد منزوی با مرگ مؤلف، پایان یافته است^۱. البته فصل‌بندی و قرار دادن خاتمه بر کتاب این احتمال استاد را با پرسش جدی مواجه می‌کند، چرا که در نگاه اول به کلیت کتاب و دیدن بخش‌بندی‌ها و قرارگرفتن فصول خاتمه به نظر نمی‌رسد کتاب به ناگاه با مرگ مؤلفش ناتمام مانده باشد. اما این احتمال را باید در نظر گرفت که نسخه در دسترس نگارنده این مرقومه اصیل نبوده و دستکاری شده و تدوین و تنظیم گردیده است.

علاوه بر آنچه مؤلف در اثر گفته شرایط آن زمان دلیل نگارش کتاب را بر ما روشن می‌سازد. چون در زمان جهانگیر شاه که او نیز، مانند دیگر بابریان، فارسی‌دوست و علم‌پرور بوده، تاریخ‌نویسی پیشرفت بسزایی کرد و او به تقلید از پدرش مورّخانی را برای خدمت در دربار تعیین کرد که اغلب هندی بوده‌اند. اما برخلاف آن‌ها حیدرملک که ایرانی و اهل کشمیر بوده، به گفته خودش با انگیزه تکمیل تواریخ گذشته و ضبط حکومت سلاطین، برای جلوگیری از مخدوش شدن تاریخ آن‌ها و از بین رفتن

۱. ایشان در آثار مختلفشان این مطلب را بیان کرده‌اند به عنوان نمونه ر. ک: منزوی، ۱۳۶۷: ۴۱۸/۱۰؛ همو ۱۳۸۲: ۱/۲؛ همچنین منابع غربی نیز همین‌گونه گزارش داده‌اند ر. ک:

Marshal; Hadi; Hasan; Bloghet; Storey; Ethe.

و نیز یزدانی، احمد، اصغر، سبجانی، همانجاها.

اطلاعاتشان به نگارش تاریخ کشمیر دست زد و در آن حاکمان کشمیر را از قرن پنجم تا یازدهم هجری نام برد و مدت حکومت هرکدام را ذکر کرد (حیدرملک، ب ۲).

این کتاب که با بیانی واضح و مختصر نوشته شده، سومین کتاب در مورد تاریخ کشمیر است که از ابتدایی‌ترین زمان تا زمان مؤلف را در بر می‌گیرد و البته شناخته شده‌ترین تاریخ فارسی کشمیر نیز هست که با اینکه از مستندترین، معروف‌ترین و باارزش‌ترین تاریخ‌های محلی کشمیر بوده (اته ۱۹۰۳: ۱/۱۷۰) لیکن تاکنون به چاپ نرسیده و اطلاعات مفید آن به‌خصوص در مورد خاندان‌های معاصر مؤلف در ایران از دسترس دور مانده.

از ارزش‌ها و اعتبارات دیگر کتاب این است که مؤلف که به شرح جغرافیای تاریخی و طبیعی منطقه نیز پرداخته، نقشه‌برداری دقیقی از منطقه ارائه و از آن مهم‌تر تاریخ هجری را در تاریخ‌گذاری‌ها جایگزین کرده است. از سوی دیگر، مؤلف با اینکه شیعه‌مذهب بوده نگاهی بی‌طرفانه داشته، چنان‌که در جایی یعقوب شاه را از عدم تسامح با سنی‌ها نکوهش می‌کند (محب‌الحسن، همانجا). علاوه بر اطلاعات تاریخی و فهرستی از سلاطینی که در کتاب ارائه شده، مؤلف شرح حالی از خود را نیز در ذیل کتاب آورده و در جای‌جای کتاب سنت‌های مردم منطقه را توصیف نموده است (هادی ۱۹۹۵: همانجا) که این در بررسی‌های مردم‌شناسی نیز علاوه بر مطالعات تاریخ‌آزمایی‌های جدی به کتاب داده لیکن مهم‌ترین ویژگی کتاب همان ثبت وقایعی مانند قتل شیرافکن و تلاش سلاطین منطقه برای عقب‌راندن مغولان و در نهایت انقراض حکومت محلی و الحاق به سلطنت اکبر شاه است که مؤلف در بطن آن وقایع حاضر بوده و با دید خود و به عنوان اول شخص حاضر در ماجرا وقایع را نقل کرده است.

از سوی دیگر ایراداتی که بر این کتاب وارد شده نیز جای بررسی دارد. به عنوان مثال محمداعظم دیده‌میری بر حیدرملک خرده گرفته که در تقریر احوال بزرگان کشمیر، بیشتر به وجنات اجداد خود اهتمام داشته و بسیاری از سرگذشت‌ها و نام بزرگان را از قلم انداخته (منزوی ۱۳۶۷: ۱۰/۴۹۸). به عقیده ظهورالدین احمد در کتاب پاکستان مین

۳۵۷۱ به کتابت محمد عثمان شمسی در کتابخانه خدابخش (شیر ۱۹۶۷: ۱۰) و نسخه‌ای دیگر در کتابخانه دانشکده مسیحی فورمین لاهور پاکستان به شماره ۴۳/۹۱، ۹۵۴ نگاشته شده، به تاریخ ۱۲۸۰ ق و به خط نستعلیق نگهداری می‌شود. همچنین نسخه‌ای نیز به شماره ۴۴۶ که به خط نستعلیق خوش در سده سیزدهم نگاشته شده در موزه ملی پاکستان در کراچی موجود است (منزوی ۱۳۶۷: ۴۱۸/۱۰).

دو نسخه دیگر نیز در کتابخانه ایندیا آفیس وجود دارد که هرمان اته (۲۰۲: ۱۹۰۳) به ترتیب در ردیف ۵۱۰ و ۲۸۴۶ فهرست خود از آن‌ها نام برده است. نسخه‌ای را نیز بلوشه (۳۶۱: ۱۹۰۵) در ردیف ۶۲۵ او گزارش کرده است و براون (۴۲: ۱۹۲۲) در ذیل فهرست نسخ خطی دانشگاه کمبریج نسخه‌ای را در ردیف 245cp از همین کتاب نام برده است. اوامر (۹۸: ۱۹۷۰) در فهرست نسخه‌های مونیخ با شماره ۲۶۶۰ از آن نسخه‌ای دیگر از کتاب را در آنجا داده است. البته در پایان باید به دو نسخه کتابخانه بادلیان نیز اشاره کنیم که اته (۱۷۰: ۱۸۸۹) در ردیف‌های ۳۱۶ و ۳۱۷ فهرست خود به آن‌ها پرداخته است.

کتابنامه

آزاد، محمود، ۱۹۹۰، تاریخ کشمیر، مظفرآباد.
احمد، ظهورالدین، ۱۹۷۴، پاکستان مین فارسی ادب کی تاریخ، لاهور.
اصغر، آفتاب، ۱۳۶۴، تاریخ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، لاهور.
بخشی، معتمدخان، اقبال‌نامه جهانگیری به تصحیح مولوی محمد رفیع، الله‌آباد، ۱۹۳۱ م.
جهانگیر گورکانی، نورالدین محمد، جهانگیرنامه، به کوشش محمد هاشم، تهران، ۱۳۵۹ ش.
حیدر ملک، جغتایی، تاریخ ملک کشمیر، نسخه خطی ش ۵۱۳، مجلس شورای ملی.
دانش‌پژوه، محمدتقی، ۱۳۵۳، فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ج ۲، تهران: دانشگاه تهران.
دیده مری، خواجه محمد اعظم، ۱۹۹۵، واقعات کشمیر،

فارسی ادب کی تاریخ، تاریخ بخش دوم کتاب حیدر ملک با دیگر کتب، دارای اختلافاتی است (احمد ۱۹۷۴: ۴۶۲/۲) و به زعم حسن کهویامی رویداد شماری مؤلف نیز قابل اعتماد نبوده و در ضمن نقش اساسی خود را در دوران چک ذکر نکرده و زندگی یوسف شاه و یعقوب شاه را در روزهای آخر اسارت که از نزدیک شاهدشان بوده توصیف نکرده است.

با این همه، چنان‌که آمد، پر واضح است که بررسی نقاط قوت و به دست آوردن اطلاعات احتمالی کتاب و پاسخ به پرسش‌هایی از قبیل نسبت کتاب با راج ترنگینی و میزان بهره‌گیری کتاب از آن، جز با مقابله نسخه‌های مختلف و خواندن و پردازش اطلاعات آن‌ها میسر نخواهد شد. چرا که برخی از فهرست‌ها در گزارش خود از نسخه‌ای سخن می‌رانند که تفاوت‌های اساسی‌ای مثلاً در بخش‌بندی و ذکر برخی موارد با نسخ دیگر دارد.

قابل توجه است که با توجه به پراکندگی نسخه‌های مختلف این کتاب در کتابخانه‌ها و موزه‌های مختلف دنیا، کار انتخاب نسخه اساس بر طبق گزارش‌ها متفاوت و بعضاً متناقض فهرست‌ها، قبل از جمع‌آوری تمام یا اکثر نسخ قابل اعتماد، با توجه به اینکه تنها یک نسخه از کتاب و یک میکروفیلم از آن در ایران موجود است، مقدور نخواهد بود.

نسخه‌های کتاب تاریخ کشمیر

همان‌طور که اشاره شد، از این کتاب دو نسخه در ایران وجود دارد: اول نسخه خطی شماره ۵۱۳۰ مجلس شورای ملی به خط نستعلیق علی بن لطف‌الله هروی که در ۱۲۸۸ ق نگاشته شده (منزوی ۱۳۴۷: ۱۵/۱۲۰) و دوم میکروفیلمی که در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۳۱۵۷ وجود دارد (دانش‌پژوه ۱۳۵۳: ۲/۲۷۲).

اما بیشتر نسخ این کتاب در خارج ایران است و در کتابخانه‌ها و موزه‌های معتبر دنیا نگهداری می‌شود. مثلاً دو نسخه در موزه بریتانیا، یکی متعلق به قرن هفدهم به شماره ۱۶۷۰۵، به خط نستعلیق و دیگری متعلق به سال ۱۸۰۲ م، به خط نستعلیق و به شماره ۸۹۰۶ نگهداری می‌شود (منزوی، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ۴۶۱۵/۶).

یک نسخه دیگر که در ۱۹۴۱ م نوشته شده به شماره

